آثار و پیامدهای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در گفت‌وگوی «جوان» با سردار عبدالکریم علیزاده

حکمت پذیرش قطعنامه در جنگ بعثی‌ها با اربابان‌شان برایمان روشن شد

■ آرمان شریف

تیرماه ۱۳۶۷، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط کشورمان به یکی از مهم‌ترین مقاطع تاریخ دفاع مقدس تبدیل شد. با وجود پذیرش قطعنامه از سوی ایران در ۲۷ تیرماه، جبهه‌ها همچنان ملتهب بود و دشمن بعثی آتش‌بس را در مقیاسی گسترده و علنی نقض کرد. فضای آن روزهای جبهه برای رزمندگان بسیار خاص بود. از یک سو جام زهری که امام نوشید آنها را دچار ابهام‌های بسیاری کرده بود و از سوی دیگر، خلف وعده عراق در حمله مجدد به ایران، آنهایی را که سستی‌هایی در امر جنگ به خرج داده بودند تکان داد و به یکباره، جبهه‌ها مثل روزهای اول جنگ شاهد جوش و خروش رزمنده‌ها شد. سردار عبدالکریم علیزاده، در آخرین روزهای دفاع مقدس و پس از آن، همچنان در مناطق جنگی حضور داشت و در کنار نیروهای سازمان ملل، بر آتش‌بس نظارت داشت. علیزاده در گفت‌وگو با «جوان» از شرایط آن روزهای جبهه‌ها و حال و هوای رزمندگان پس از پذیرش قطعنامه می‌گوید که در ادامه می‌خوانید.

تابستان سال ۱۳۶۷ رزمندگان چه حال و هوایی داشتند و وضعیت جبهه‌ها به چه شکل بود؟

برخی می‌گویند عراق در آخرین سال جنگ قوی شده بود، ولی اصلاً چنین نبود و در اصل موضوع این بود که دولت وقت پشت جنگ را رها کرده بود. دولت اعتقادی به اینکه جنگ در رأس امور است، نداشت. ما زمان جنگ در کنار کمبود مهمات گاهی کمبود نان و آب هم در جبهه داشتیم. مثلاً دولت می‌گفت آرد شهرها را تأمین می‌کنم اما تأمین آرد جبهه به من مربوط نیست. جبهه و مردم که تفاوتی با هم نداشتند. رزمندگان در خط مقدم از همین مردم تشکیل شده بودند. چنین تفکری بر دولت آن زمان حاکم بود. محدودیت‌های تدارکاتی، پشتیبانی و مالی زیاد شده بود و حتی در تأمین تجهیزات ساده رزمندگان به مشکل برخورده بودیم و آن سمت ۷۲ کشور از صدام پشتیبانی می‌کردند. آن زمان میگ ۲۹ یک سلاح فوق‌استراتژیک بود که ارتش بعث به وفور داشت. هواپیماهای سوپر اتاندارد یک سلاح مرگبار دست‌نیافتنی بود که غربی‌ها با خلبان و خدمه به صدام داده بودند. حتی فرصت آموزش خلبانی را حذف کردند تا سوپراتاندارد‌ها با موشک‌های اگزوسه به دست صدام برسد. واقعاً ما با ۷۲ کشور در جنگ بودیم. فضای بسیار خاصی در جنگ به ویژه در روزهای پایانی داشتیم.

وضعیت روحی و روانی رزمندگان چگونه بود؟

خستگی رزمندگان تا حدودی طبیعی بود. دولت از جنگ پشتیبانی نمی‌کرد و رزمندگان با دشمن عاقلی هم طرف نبودند. دشمنی که جنگ مردانه در برنامه‌اش نبود. سلاح شیمیایی می‌زد و من به عنوان فرمانده خط می‌دانستم اگر بخواهم با دشمن مقابله کنم باید مثل او رفتار کنم. چنین شیوه جنگی در قاموس فرهنگی ما نبود. وقتی قطعنامه پذیرفته شد نخست کام‌مان تلخ شد ولی بعد به حکمت این تصمیم پی بردیم. من به عنوان یک فرمانده می‌دیدم از دو سو در محاصره هستیم و این شرایط را برایمان سخت می‌کند. یکی دولت خودمان که پشتیبانی نمی‌کند و یکی دشمن که بی‌رحمی بسیاری داشت. ما محاصره بودیم و امکانات زیادی به جبهه نمی‌رسید و همین وضعیت را سخت کرده بود.

رزمندگان نسبت به پذیرش قطعنامه چه نگاهی داشتند؟

قطعنامه اتفاق بسیار بدی بود که نتایج بسیار خوبی پیدا کرد. این از موهبت‌های الهی است که اتفاقات بد نتایج خوب پیدا می‌کنند. پذیرش قطعنامه آن زمان خلاف مسیر خواسته‌های رزمندگان و امام بود و مسیر ما را عوض کرد ولی در نهایت نتایج بسیار خوبی برای مردم و کشور داشت. رحلت امام خمینی هم یک تراژدی بزرگ و یک اتفاق بسیار تلخ بود ولی از لطف الهی خداوند با رهبری مقام معظم رهبری این اتفاق تلخ را جبران کرد. قطعنامه ۵۹۸ نیز به ما تحمیل شد و امام به همین خاطر آن عبارت‌های سخت و دشوار را در وصفش به کار برد و فرمود «من جام زهر را نوشیدم». در واقع جام زهر خلاف خواسته‌های امام بود اما عاقلانه‌ترین تصمیمی بود که در آن مقطع زمانی گرفته شد.

ما چه دلایلی برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ داشتیم؟

فضای خط مقدم و عقبه‌های جنگ وضعیت خوبی نداشت. صدام و ارتش بعث نقطه ضعف ما را فهمیده بودند و می‌دانستند ما دست به کشتار غیرنظامیان نمی‌زنیم. مثلاً در قضیه بمباران‌های شیمیایی یا حمله به مناطق غیرنظامی ما نمی‌توانستیم مقابله به مثل کنیم و رفتاری مثل ارتش بعث داشته باشیم. دست‌مان به لحاظ تجهیزات نظامی و اخلاقی بسته بود. ما هیچ‌وقت نمی‌توانستیم مثل صدام به شهرها حمله کنیم. ما می‌گفتیم حتی دفاع عامل هم نداریم و نمی‌توانیم به رزمندگان ماسک شیمیایی و امکانات در خط مقدم بدهیم. تحریم بودیم و جنگ یک‌طرفه از سوی استکبار به ما تحمیل شده بود. بمباران شیمیایی حلبچه برای ما نکات بسیاری داشت. صدام با توجه به چراغ سبز امریکا و شوروی هیچ مانعی جلوی خودش نمی‌دید. اهل سنت بزرگ‌ترین مذهب نزدیک به حاکمیت صدام بود و با این حال صدام در ظرف یک روز ۱۵ هزار کُرد سنی را از صحنه روزگار محو کرد و دنیا هم واکنش خاصی نشان نداد. این پیامی داشت و اینکه کسی که به خودش رحم نمی‌کند با دشمنش رفتار خیلی بدتری خواهد داشت. پذیرفتن قطعنامه حداقل جان ۸ میلیون ایرانی و عراقی را نجات داد. امام خودش را فدای جان این همه انسان بی‌گناه کرد. خدا هم مزد این کار را به ما داد. مزد این کار این شد که امروز در صفحه روزگار صدامی وجود ندارد ولی خمینی و انقلاب خمینی در ایران و عراق زنده و پویاست و دو کشور هم اتحاد خوبی با هم دارند. راهپیمایی عظیم اربعین نتیجه همان جام زهری است که امام تحمل کرد و نوشید و خدا مزد و نعمت‌های بعدی را به ما داد. وقتی عزاداران در اربعین به طول چند صد کیلومتر از عمق پاکستان و افغانستان، تا ایران و سوریه و عراق راهپیمایی می‌کنند، می‌توان نتیجه تصمیم حضرت امام در سال ۱۳۶۷ را مشاهده کرد.

> ما حرکت‌های انسانی زیادی در جنگ داشتیم. همه را هم داوطلبانه انجام می‌دادیم و کسی این موارد را به ما نگفته بود. ما حتی اسیری را آزار روحی هم ندادیم چه برسد به آسیب جسمی. این نگاه در ادبیات شیعه و فرهنگ دفاعی‌مان وجود داشت اما صدام چنین رفتار نمی‌کرد

اگر قطعنامه امضا نمی‌شد رزمندگان باز آمادگی حضور در جبهه‌ها را داشتند؟

امام آن‌قدر بر روح و جان مردم ایران نفوذ داشت که با یک کلام ایشان، جنگ را ۱۰ سال دیگر ادامه می‌دادیم اما ممکن بود با یک پیروزی تلخ جنگ را به پایان برسانیم. پیروزی تلخ در ادبیات ما جایی نداشت. مثلاً ما در عملیات بدر پیروز شدیم و دیدیم اگر بخواهیم این پیروزی را ادامه بدهیم باید تلخی‌اش را بپذیریم. به همین دلیل ما تعداد زیادی از اسرای عراقی را آزاد کردیم تا بتوانیم نیروهای رزمنده خودمان را از آن سوی دجله به مواضع اولیه برگردانیم. ما حرکت‌های انسانی زیادی در جنگ داشتیم. همه را هم داوطلبانه انجام می‌دادیم و کسی این موارد را به ما نگفته بود. ما حتی اسیری را آزار روحی هم ندادیم چه برسد به آسیب جسمی. این نگاه در ادبیات شیعه و فرهنگ دفاعی‌مان وجود داشت اما صدام چنین رفتار نمی‌کرد. هرجا او اسیر می‌گرفت و نمی‌توانست آنها را منتقل کند تیرباران‌شان می‌کرد. اسرای ما را وحشیانه شکنجه و تیرباران می‌کرد. صدام ادبیات بسیار خشن و ماجراجویانه‌ای داشت. داعش الان شباهت زیادی به صدام و کارهایش دارد. همان بعثی‌های شکست‌خورده بعدها به داعش پیوستند که امریکااسم و لباس و رسم‌شان را عوض کرد. داعش سردشده صدامیان بود. صدامیان خیلی خشن و بی‌رحم و ظالم بودند و کشتارهای جمعی آنان نیز بسیار بی‌رحمانه بود.

سردار علیزاده نفر وسط

بعد از پذیرش قطعنامه همچنان در جبهه حضور داشتید؟

من دو سال همراه نیروهای سازمان ملل در مناطق مرزی بودم و از طرف ایران فرمانده میدانی بودم که نیروهای ناظر بر آتش‌بس آمده بودند. بقیه نیروها هم جبهه را به سرعت خالی نکردند. حاج‌قاسم سلیمانی، سردار صفوی و سردار رضایی به منطقه می‌آمدند و بچه‌ها را می‌دیدند. همه به این نتیجه رسیده بودیم این تصمیم امام حکمتی دارد. همه دیگر قانع شدیم و خیلی زود تلخی قطعنامه رنگ باخت. صدام بی‌قید و شرط همه شرایط ما را پذیرفت، ادبیاتش با ما تغییر کرد و اسرای ما را آزاد کرد. خیلی طول نکشید بین صفوف دشمن اختلاف افتاد. حضرت امام جمله‌ای داشت که من از رادیو شنیدم و بعداً یکی از فرماندهان در جلسه‌ای که با حضرت امام داشت حرف امام را برایم تعریف کرد. امام به فرماندهان گفته بود شما نگران نباشید، خداوند به زودی آنهایی که به شما ظلم کردند را با دستان خودشان مجازات خواهد کرد (نقل به مضمون). این جمله حکمت‌آمیزی بود که امام بعد از قطعنامه خطاب به فرماندهان فرمود. ما آن زمان خیلی متوجه عمق ادبیات و کلام امام نشدیم و به مرور زمان به منظور صحبت‌های امام پی بردیم. امام به کشورهای هم‌پیمان صدام گفته بود فکر نکنید صدام همراه شماست و این ماری است که در آستین خودتان می‌پرورانید، از ما غافل شود به خودتان می‌پیچد. همین تعبیر دقیقاً اتفاق افتاد. ما در مرز نگاه می‌کردیم که چطور مثل گرگ‌ها به جان هم افتاده‌اند. ارتش بعث عراق زیر لگدهای پدر و مادرهایش له می‌شد. بالاخره امریکا، شوروی و کشورهای اروپایی پدر و مادر ارتش بعثی بودند که حالا با بمب و موشک به جانش افتاده بودند. رهبران کشورهای عربی پس از سقوط فاو به صدام کلاشینکف طلا می‌دادند و نهایت حمایت‌شان را از او انجام می‌دادند اما با پایان یافتن دفاع مقدس، صدام به عربستان و کویت و خاندان سعودی و آل‌صباح حمله کرد. چندین نفر از این دو خاندان کشته شدند. خاندان آل‌صباح که حاکم کویت بودند ۱۰ ماه در هتلی در عربستان زندگی می‌کردند. اینها وقتی نتوانستند به قرارهایشان در رابطه جنگ ایران برسند به جان هم افتادند و اختلافات‌شان بالا گرفت. بالاخره آن زمان کمک‌های زیادی به صدام کرده بودند ولی به نتیجه نرسیده بودند و حتی می‌گفتند کاری که نکردی، باعث قوی شدن ایران هم شدی. پایان دفاع مقدس تمام دشمنان را به جان هم انداخت. امریکایی‌ها هم به دنبال مجازات صدام بودند و می‌گفتند چون مأموریتت را خوب انجام ندادی باید برکنار شوی.

پس از قطعنامه نیز همچنان در منطقه حضور داشتید؟

به شدت مراقب بودیم. ما قدم به قدم با مأموران سازمان ملل می‌رفتیم و عراقی‌ها را مؤاخذه می‌کردیم. وقتی مأموران سازمان ملل و فرماندهان بعثی می‌آمدند می‌دیدیم که فرماندهان بعثی به خودشان می‌لرزند. خیلی محکم و پرقدرت جلویشان می‌ایستادیم و موارد نقض آتش‌بس را برایشان توضیح می‌دادیم و می‌گفتیم اگر نقض کنید پاسخ دندان‌شکنی به شما خواهیم داد. ارتش و سپاه هم محکم ایستادند. شکست منافقین و ارتش عراق در مرصاد به آنها فهماند که باید به همین حیات ناچیزشان قناعت کنند. حتی دست دوستی هم دراز کردند که همان هم فریب بود.

نگاه

۳۱ تیرماه ۶۷ و حمله مجدد عراق به ایران

صدام هرگز به دنبال ترک جنگ بدون دستاورد نبود

■ غلامحسین بهبودی

۳۱ تیرماه ۱۳۶۷ وقتی که صدام دوباره به ایران حمله کرد بار دیگر نشان داد دشمنی نیست که بتوان به راحتی پیچیدگی‌های رفتاری و دسیسه‌هایش را شناخت. او کسی بود که نگاهی تاریخی به وقایع داشت و هرگز نمی‌خواست نامش در تاریخ به عنوان یک شکست‌خورده مطرح شود. برای صدام حسین، اختلافات مرزی چون اروند و میمک تنها بهانه‌ای برای شعله‌ور کردن یک جنگ بزرگ بود؛ جنگی که او هرگز نمی‌خواست بدون دستاورد خاصی آن را ترک کند.

چهار روز پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران، عراق بعثی مثل روز اول جنگ با انبوه تانک‌های خود به مرزهای بین‌المللی حمله کرد و قصد داشت خرمشهر یا اهواز یا حتی‌المقدور لقمه دندانگیری از کشورمان را تصرف کند. این لشکرهای زرهی، از قائدی پیروی می‌کردند که خود را سردار قادسیه می‌نامید. مرزهایش را دروازه شرقی اعراب نام گذاشته بود و جنگ خود با ایران را یک موضوع بین‌المللی مربوط به کل اعراب و فارس‌ها می‌دانست.

شروع جنگ با ایران زمانی صورت گرفت که عراق از لحاظ اقتصادی در شرایط خوبی به سر می‌برد. قراردادی که صدام با پهلوی دوم در سال ۱۹۷۵ در الجزایر منعقد کرده بود، فرصت‌های اقتصادی خوبی در اختیار عراق می‌گذاشت تا با اکتشافات نفتی در مرزهای شرقی که روی آرامش به خود دیده بودند، اوضاع اقتصادی خود را بهبود ببخشد.

اما در این بین، یک مشکل حیثیتی وجود داشت که به هیچ عنوان مناسب وجهه صدام و حزب بعث عراق نبود. عبور کشتی‌های ایرانی از اروندرود، هیچ‌گاه برای دولت بعث که خود را یک دولت انقلابی می‌دانست قابل قبول نبود. از این رو قائد اعظم به دنبال فرصتی بود تا تحقیر خود در برابر ایرانیان را با یک پیروزی بزرگ عوض کند.

در ماه‌های پایانی عمر حکومت پهلوی، وقتی که فرح دیبا به بغداد سفر کرد، صدام هشدار داد که «از شاه بخواهید تانک‌ها را به خیابان‌ها بیاورد. اگر امروز چند صد نفر بمیرند، بهتر از آن است که فردا چند هزار نفر از ایرانی‌ها و عراقی‌ها بمیرند.»

صدام به خوبی مشخص کرده بود که تغییر نظام در ایران چه معنایی برای او دارد. قصد داشت تا اگر در ایران انقلابی شد و اوضاع داخلی کشور به‌هم ریخت جنگی بزرگ را رقم بزند و ایرانیان را به شکست بکشاند. لذا بعد از پیروزی انقلاب که ابراهیم یزدی با او در هاوانا دیدار کرد، در پاسخ به وزیر خارجه خود که عنوان کرده بود گویا سید رئیس می‌خواهد اختلافات ایران با عراق را از طریق مذاکره حل کند، گفت: «ایرانی‌ها بعد از انقلاب‌شان دچار آشوب‌های داخلی شده‌اند. چنین فرصتی صد سال یک‌بار در اختیارمان قرار می‌گیرد. به زودی سیلی‌ای به آنها می‌زنم که صدایش در همه دنیا شنیده شود.»

سیلی‌ای که صدام از آن سخن می‌گفت حمله غافلگیرکننده ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ بود اما جنگی که او دوست داشت ظرف شش روز (به تقلید از جنگ اعراب و اسرائیل) با پیروزی‌اش به اتمام برسد، با رشادت مردم ایران هشت سال تمام ادامه یافت و در هیچ لحظه‌ای در ۲ هزار روز جنگ، صدام قصد نداشت میدان نبرد را بدون دستاورد خاصی ترک کند. حتی پس از خرداد ۱۳۶۱، وقتی که بسیاری از تانک‌های عراقی همراه سربازان زخمی از خرمشهر و بخش‌هایی از ایران بیرون رانده شدند، صدام هرگز به دنبال صلح بدون دستاورد نبود. با آنکه ارتش عراق ۲۰ روز پس از شکست در خرمشهر از باقی‌مانده متصرفاتش عقب‌نشینی کرد، باز هم بخش‌هایی از خاک ایران را در تصرف خود نگاه داشت و بیم آن می‌رفت که در صورت بازسازی ارتشش، باز هم به ایران حمله کنند.

بیم از حمله مجدد بعثی‌ها در صورت اتمام جنگ که پس از فتح خرمشهر مطرح شده بود، در روز ۳۱ تیر ۱۳۶۷، از حد یک فرضیه خارج شد و در میدان عمل به اثبات رسید. ارتش یک میلیون نفری عراق به رهبری مردی که خود را سردار قادسیه می‌نامید، دوباره به ایران حمله کرد تا چهره پیروز به خود بگیرد اما مقاومت ایرانی‌ها، اتفاقی بود که اگر صدام در آغاز جنگ تحمیلی از آن درس گرفته بود، نیاز نبود تا در چند روز اول مرداد ۱۳۶۷، دوباره به او گوشزد شود.

> در هیچ لحظه‌ای در ۲ هزار روز جنگ، صدام قصد نداشت میدان نبرد را بدون دستاورد خاصی ترک کند. حتی پس از خرداد ۱۳۶۱، وقتی که بسیاری از تانک‌های عراقی همراه سربازان زخمی از خرمشهر و بخش‌هایی از ایران بیرون رانده شدند، صدام هرگز به دنبال صلح بدون دستاورد نبود

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۹۸۰

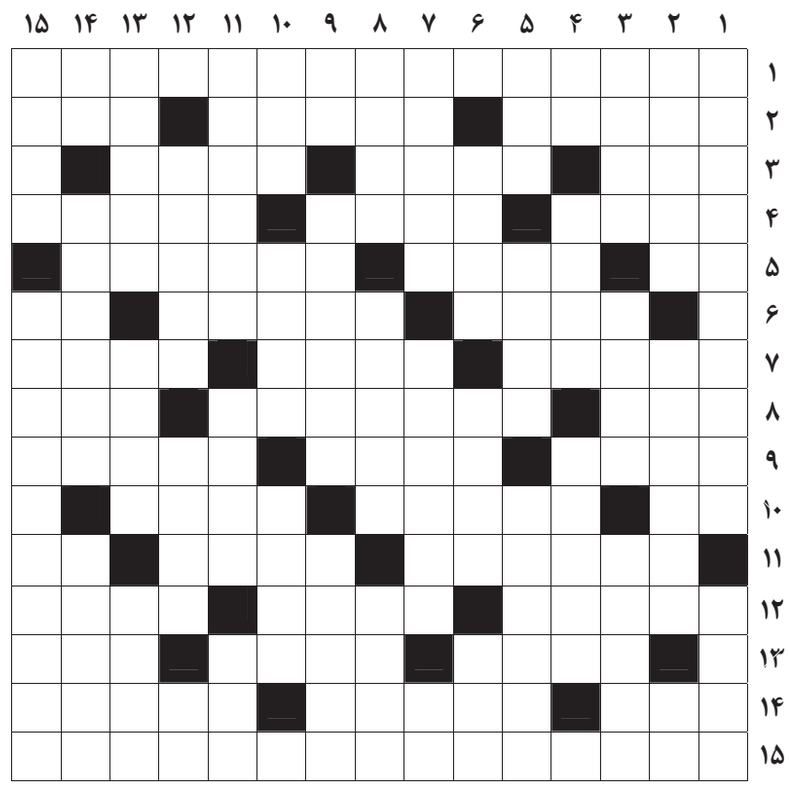

از راست به چپ

■ ۱- پدر اختراعی که جهان را روشنی بخشید ■ ۲- ورزشگاه بازی‌های تیم ملی انگلیس- اثر ماکسیم گورکی- گوسفند قربانی ■ ۳- خاخام- پارچه روبالشی- نانخورش ■ ۴- لاستیک اتومبیل- مورخ فرانسوی نویسنده شرح زندگانی مسیح- دانه سیاه ■ ۵- هنوز انگلیسی- ویرایش- مشایعت ■ ۶- برادر سلم و تور- در حال پرسیدن- زنبور ■ ۷- نوعی پارچه راه‌راه ابریشمی- سرمربی صاحب‌نام السد قطر- پایکوبی درویشان ■ ۸- شاه معدوم عربستان- قشر میانی عضلانی جدار قلب- موی تابیده ■ ۹- ارتعاش- کندذبان- تختهٔ بزرگ و ستبر ■ ۱۰- حرف فاصله- برعکس- علامت صفت عالی ■ ۱۱- بستن راه عبور و مرور در پیاده‌روها- جنبش؛ رعشه- بز کوهی ■ ۱۲- خوبی‌ها- وقت چیزی یا کاری- خانه‌های ریز عکس ■ ۱۳- کشور نایروبی- نابینا- پشت سر ■ ۱۴- بیهوشی- از اقلیت‌های مذهبی- شیطان ■ ۱۵- متفکر و دانشمند اسلامی که در سال ۱۳۵۸ به دست گروه فرقان به شهادت رسید

از بالا به پایین

■ ۱- اثر جان اشتاین بک، نویسنده قرن بیستم امریکایی- سنگ طلق ■ ۲- حیوانی نقب‌زن- جانشین کیخسرو- فلز سرخ ■ ۳- بنا شده- بیماری قرن- طبقات جهنم ■ ۴- خاندان- مرسوم- برادر پیران ویسه ■ ۵- نقره- برآشفته- خوگیری، عادت ■ ۶- جایی در قبا برای برخوردن- خدایا- بهشت شداد ■ ۷- اصلاح وضعیت نامناسب دندان‌ها- نویسنده فرانسوی بیست هزار فرسنگ زیر دریا- تلخ ■ ۸- بلندمرتبه- از لوازم دانش‌آموزان- باربر شهری ■ ۹- سرخ کمرنگ- از جنگ‌های امام علی(ع)- رجحان بلامرجح ■ ۱۰- صدا- گذرگاه- مادر امام رضا(ع) ■ ۱۱- اداره‌ای در دادگستری- ثروتمند- اسب چاپار ■ ۱۲- مساعده- نرمی- مرغابی ■ ۱۳ مقدار و چیزی که نصیب و سهم کسی شود- خیاطخانه- پسر کردی ■ ۱۴- دوستی- مهاجم آرژانتینی یوونتوس- سازمان ارتباط تلفنی راه دور ■ ۱۵- پدر شعر نو- اولین مدال‌آور ایران در بازی‌های المپیک بود

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

			۸		۹			
۹						۱		۲
۶	۷			۲				
					۳		۱	
		۲			۷		۹	
۷		۴			۶			
۳	۵							
						۹	۴	۳
				۹	۲			

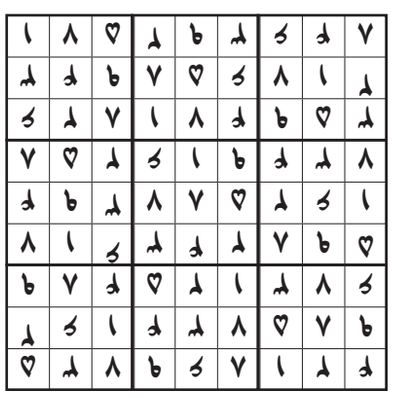

جدول کلمات متقاطع
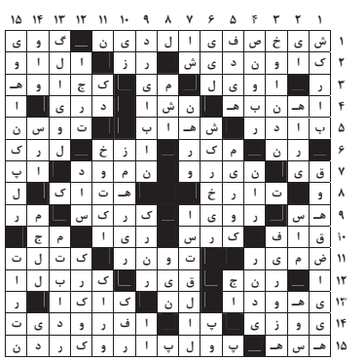
پاسخ جدول شماره ۵۹۷۹